

1. abort	بچه سقط کردن
2. accommodation	تطبیق
3. accord	موافقت سازگاری
4. alternative	متناوب
5. altitude	بلندی ، ارتفاع
6. assumption	فرض
7. cohort	گروه
8. complain	شکایت کردن
9. complement	متمم مکمل
10. compliment	تعریف
11. concentrate	تمرکز کردن
12. conscious	هوشیار
13. copiousness	فراوانی
14. cornerstone	بنیاد
15. countless	بی شمار
16. craze	دیوانه کردن
17. cumulative	فزاینده
18. discrepancy	اختلاف
19. enchanting	زیبا افسونگر
20. exemption	معافیت
21. exert	بکار بردن
22. fancy	خیال ، فانتزی
23. fetus	جنین
24. foetus	جنین
25. fretful	اخمو
26. fulfillment	انجام ، تکمیل
27. generosity	بخشندهگی سخاوت
28. girder	تیر مرکب ، تیر افقی ، تیر آهن شاهین ترازو
29. harness	مهار
30. hinder	ممانعت کردن
31. hitherto	تاکنون
32. implant	کاشت
33. inclination	سرازیری
34. incline	مستعد کردن
35. inexcusable	غیر قابل قبول
36. inferiority	حقارت
37. inscribed	ثبت کردن

38. knowledgeable	بااطلاع
39. lattice	شبكة
40. liver	کبد ، جگر
41. moment	لحظه اهمیت
42. moody	کج خلق
43. mothball	گلوله نفتالین
44. noxious	زبان اور
45. obstruction	جلوگیری
46. orchid	ارغوانی روشن ، گیاه صعلب
47. outweigh	سنگین تر بودن از
48. plough	شخم ، گاواهن
49. pregnancy	حاملگی
50. realm	کشور. حوزه
51. reaper	دروگر
52. redundancy	زیادی
53. resourceful	کاردان
54. retrospective	بازنگرانه
55. rivet	میخ ، برج
56. snowflake	دانه برف
57. sow	شلخته و چاق
58. suffice	کفایت کردن
59. suppress	توقیف کردن
60. tension	کشش
61. ventricle	بطن
62. versatile	همه کاره
63. wheat	گندم
64. widow	زن بیوه
65. widower	مرد بیوه
66. wipe out	محو کردن

1. accommodating	مهربان	39. logic	علم منطق
2. affiliated	وابسته	40. mindful	ملفتت
3. appetite	اشتها	41. mortgaged	رهن گذاشته شده
4. aromatic	خوشبو	42. neutral	خنثی
5. assent	موافقت	43. nod	چرت زدن
6. bat	خفاش	44. parslay	جعفری
7. bidimensioned	دو بعدی	45. parsnip	هویج وحشی
8. blush	سرخ شدن از خجالت	46. precise	درست
9. carrot	هویج	47. premise	مقدمه
10. celery	کرفس	48. prepheral	سطح بیرونی
11. consecutive	متوالی	49. prescription	دستور ، تجویز
12. constituent	عضومجلس موسسان	50. reassuring	اطمینان بخش
13. coriander	گشنیز	51. ruthless	بی رحم
14. customize	تغییر دادن	52. saesoning	چاشنی
15. dedicated	متعهد	53. spectacle	منظره تماشایی
16. delude	اغفال کردن	54. stir	تکان دادن
17. differentiate	فرق گذاشتن	55. subtle	طریف
18. dill	شوید	56. transfusion	تزریق
19. dismiss	مرخص کردن	57. unlike	برخلاف
20. dissent	اختلاف ، عقیده	58. waile	شیون کردن
21. drawback	مانع ، زیان	59. weeping	گریان
22. equivocate	دوپهلو حرف زدن	60. wholesale	عمده فروش
23. excreted	دفع کردن	61. wholesome	سالم
24. fern	سرخس	62. winsome	دلکش
25. frown	اخم کردن	63. yawned	خمیازه کشیدن
26. gentle	لطیف		
27. grine	پوزخندزدن		
28. gynecologist	متخصص زنان		
29. heal	شفا دادن		
30. heap	لبریز		
31. heed	اعتنا کردن		
32. herb	گیاه		
33. implicite	ضمنی		
34. indignant	رنجیده		
35. intimidated	ترسیده		
36. intoxicate	مست کردن		
37. loathsome	نفرت انگیز		
38. lock out	بیرون نگهداشتن		

1. accessories	لوازم	38. jeopardy	خطر ، مخاطره
2. adversarial	رقابتی	39. laden	پر ، مملو
3. along side	در کنار	40. lag	کندی ، عقب افتادگی
4. alternate	متناوب	41. lest	مبادا
5. badger	گورکن	42. lining	آستر
6. batch	دسته	43. locution	شیوه ی سخنگویی
7. check	جلوگیری	44. melodious	خوش آهنگ ، شیرین
8. clot	لخته خون	45. mimic	تقلید کردن
9. clump	انبوه	46. nostril	سوراخ بینی
10. conduction	انتقال	47. obsolete	غیرمستعمل
11. connotative	ثانویه	48. output	محصول
12. correspondence	مکاتبه	49. owl	جغد
13. crust	پوسته ، جرم	50. oyster	صدف خوراکی
14. denotative	اولیه	51. palpable	ملموس ، معلوم
15. deputize	نماینده گی کسی را داشتن	52. pearl	مروارید
16. detriment	زیان	53. perforate	منگنه کردن ، سوراخ کردن
17. devote	اختصاص دادن	54. pertinent	وابسته ، مناسب
18. diverge	از هم دور شدن	55. pierce	سوراخ کردن ، نفوذ کردن
19. dull	کاهش دادن	56. plain	غیر نظامی ، صریح
20. edible	خوردنی	57. Polysemous	چند معنایی
21. eligibility	شایستگی برای انتخاب	58. potable	قابل حمل ، آشامیدنی
22. enumerate	شمردن یکایک شمردن	59. priority	تقدم
23. equinoxes	اعتدال شب و روز	60. prolong	تمدید کردن
24. exterminate	به کلی نابود کردن	61. publicist	روزنامه نگار
25. fondness	اشتیاق	62. pugnacious	جنگجو
26. frank	رک گو	63. ranger	جنگل بان
27. good will	حسن نیت ، رضایت	64. resemblance	شبهت
28. govern	حکومت کردن ، ناظر بودن	65. savage	وحشی
29. grim	ترسناک ، بی رحمانه	66. seal	خوک آبی ، مهر موم شده
30. grime	دوده ، چرک	67. shorthand	تندنویسی
31. hatred	دشمنی	68. slim	سسست
32. hive	کندو	69. spine	ستون فقرات
33. ingestion	خوردن ، هضم	70. story	طبقه
34. innocuous	بی ضرر	71. sullen	ترشرو
35. insistent	مصر ، پافشاری	72. sum	مجموع
36. intoxicating	مست کننده	73. susceptible	حساس
37. invariably	همواره	74. sympathize	همدردی کردن
		75. symptom	نشانه ، علامت

76.	tepees	چادر سرخپوستی
77.	tiled	کج شدن
78.	ultimately	سرانجام
79.	valid	معتبر
80.	violet	بنفش
81.	vocal	شفاهی
82.	walruses	فیل دریایی

1. aquatic	آبی ، آبی	39. retribution	مکافات ، جزا
2. arctic	بسیار سرد ، قطبی	40. scurby	پست ، کوچک
3. bloom	شکوفه	41. sedimentary	رسوبی
4. bottom	ته ، پایین ، تهی	42. seizures	حمله ی قلبی مغزی
5. break up	منحل شدن ، خرد کردن	43. sheen	درخشندگی
6. brine	آب نمک	44. shrub	بوته
7. caught	به دام انداختن	45. shut	بسته شدن
8. chalk	گچ سفید	46. snapping	ربودن
9. coal	زغال سنگ	47. solo	تکنوازی
10. coral	مرجان	48. spells	دوره ، مدت
11. cottage	کلبه	49. sponges	اسفنج
12. daisy	گل مروارید	50. spot	تشخیص دادن
13. decompose	متلاشی شدن	51. straight forward	ساده ، رک ، راست
14. down wind	در جهت وزش باد	52. stain	لکه دارکردن
15. e.g	به عنوان مثال	53. submission	تسلیم ، نظریه
16. epileptic	صرعی	54. terrain	زمین ، ناحیه
17. eyeball	تخم چشم	55. trimmed	آراستن
18. finery	زیور	56. vampire	خون آشام
19. flint	سنگ چخماق	57. while	درحالی که
20. flyer	پرواز کننده	58. whips	شلاق زدن
21. foliage	شاخ و برگ	59. wild fire	ترکیب شیمیایی برای آتش زدن کشتی های جنگی
22. frontal	از جلو ، جلویی	60. wraps	پیچیدن
23. fur	خزه		
24. hot spring	چشمه آب گرم		
25. i.e.	بدین معنا که ، یعنی		
26. insulation	تجزیه ، پوشش		
27. jet	کهربای سیاه		
28. lace	توری		
29. lagoon	باتلاق ، مرداب		
30. leftward	واقع در سمت چپ		
31. limestone	سنگ آهک		
32. manic	مانیایی		
33. mosses	خزه		
34. occupies	اشغال کردن ، به کار گرفتن		
35. outpatient	بیمار سرپایی		
36. pessimistic	ناشی از بد بینی		
37. propel	راندن		
38. punch	سوراخ کردن		

1. belonging	متعلقات ، دارائی	36. simply	به سادگی واقعا ، حقیقتا
2. brink	لب ، کنار ، حاشیه	37. sketchy	عاری از جزئیات ، ناقص ، سطحی
3. bull	گاو نر	38. sleek	نرم ، براق ، صیقلی دادن
4. burden	، گنجایش ، بار ، وزن طفل در رحم	39. slightly	کمی ، اندکی
5. conclude	استنتاج ، به پایان رساندن ، نتیجه گرفتن	40. sophisticated	مصنوعی ، تصنعی ، خیره و ماهر
6. confined	بستری ، محدود شده	41. species	نوع ، گونه ، بشر
7. connotation	دلالت ، ضمنی	42. swamp	مرداب ، باتلاق ، در باتلاق فرو بردن
8. cousin	...عمه زاده ، خاله زاده و	43. terrify	وحشت زده کردن
9. defeat	شکست دادن ، هزیمت	44. trail	دنباله ، دنباله دار بودن ، اثر باقی گذاردن
10. deliberate	عمدی	45. tread	راه رفتن ، گام برداری ، پا گذاشتن ، لگد کردن
11. excavate	کاویدن ، حفر کردن ، از خاک درآوردن	46. vague	مبهم
12. gait	راه رفتن	47. vitality	انرژی و زنده دلی
13. gallop (v,n)	چهار نعل	48. vulnerability	آسیب پذیری
14. gigantic	غول پیکر	49. withering	خراب کننده ، مخرب ، افسرده
15. grizzle	خاکستری	50. youth	جوانی ، جوان ، جوانمرد
16. habitat	محل سکونت		
17. heroic	قهرمانانه ، حماسی ، بی باک		
18. huge	کلان ، سترگ ، تنومند		
19. illusion	فریب ، حيله ، خیال ، وهم		
20. imagery	صنایع ادبی ، تشبیه ادبی		
21. implied	ضمنی ، ضمنا ، مفهوم		
22. imply	اشاره کرده ، دلالت کردن		
23. infer	استنباط		
24. inference	استنتاج ، استنباط		
25. inferred	استنباط شده		
26. insight	بینش ، بصیرت ، چشم باطن		
27. interim	موقتی ، فی ما بین		
28. likely	احتمالا ، محتمل ، احتمالی		
29. luck	شانس ، بخت ، اقبال		
30. overstate	غلو کردن ، گزافه گویی		
31. probably	محتمل ، شاید		
32. reason	دلیل ، علت ، استدلال کردن		
33. roam	پرسه زدن سیر کردن سرگردانی		
34. scarce	کمیاب ، کم ، ندرتا		
35. shuffle	مخلوط کردن ، بی قرار بودن ، این سو آنسو حرکت کردن		

1. abrupt	ناگهانی ، سرآشویی	39. endanger	به مخاطره انداختن
2. accredit	معتبر	40. endorse	پشت نویسی کردن
3. affiliate	مربوط ساختن ، آشنا کردن	41. eradicating	از بین بردن
4. affluent	فراوان ، دولتمند	42. evaluate	ارزیابی کردن
5. aggregate	متراکم ، مجموع	43. eventually	سرانجام ، عاقبت
6. ammonia	آمونیاک	44. excavation	کاوش ، حفاری
7. annihilate	نابود کردن	45. excrete	دفع کردن
8. appreciable	محسوس	46. expenditure	هزینه ، پرداخت
9. auk	پنگوئن	47. expose	افشا ، نمایش دادن
10. bald	طاس ، بی لطف	48. extinct	منقرض
11. betray	خیانت کردن به ، فاش کردن	49. extortion	اخاذی
12. breed	تولید کردن	50. facility	سهولت ، امکان
13. captivity	گرفتاری ، اسارت	51. falcon	شاهین
14. compound	مرکب ، آمیختن	52. fatigue	خستگی ، فرسودگی
15. conceive	تصور کردن	53. fertile	حاصلخیز
16. condemn	محکوم کردن ، محکوم شدن	54. filtration	تصفیه
17. condor	کرکس	55. harbor	لنگرگاه ، پناه دادن
18. conductive	رسانا	56. hasten	شتافتن
19. confer	مشورت کردن ، مراجعه کردن	57. impervious	غیرقابل نفوذ
20. consequence	نتیجه	58. implement	انجام
21. consultation	مشاوره ، هم فکری	59. inert	بی روح ، راکت
22. contemplate	تفکرکردن ، درنظرداشتن	60. inexpert	بی تجربه ، بی مهارت
23. contradiction	مخالف	61. infer	حدس زدن ، استنباط کردن
24. controversy	جدال	62. infiltrate	نفوذکردن ، تراوش کردن
25. criticize	انتقاد کردن	63. inflamm	به هیجان آوردن ، متراکم کردن
26. crucial	وخیم ، بسیارسخت	64. inflow	ریزش درونی
27. cumbersome	طاققت فرسا ، سنگین	65. initial	نخستین ، ابتدایی
28. dedication	فداکاری	66. insomnia	بی خوابی
29. depict	نمایش دادن ، شرح دادن	67. instigate	تحریک کردن ، وادارکردن
30. deprive	بی بهره کردن	68. intense	زیاد ، سخت ، مشتاقانه
31. despite	بااینکه ، کینه ورزیدن	69. invariably	همواره
32. disperse	پراکنده کردن	70. irrigate	آبیاری کردن
33. dissatisfy	ناراضی ، رنجانیدن	71. irritability	کج خلقی ، زودرنجی
34. disseminate	منتشرکردن	72. jeopardize	به خطر انداختن
35. dormant	خوابیده ، ساکت	73. liberty	آزادی ، اختیار
36. eagle	عقاب	74. mandatory	الزامی
37. elevation	بلندی ، ترفیع	75. midst	وسط ، در میان
38. enable	توانا ساختن ، تهیه کردن	76. modification	تغییر و تبدیل ، اصلاح

77.	negligent	بی دقت ، فروگذار
78.	obnoxious	مضر ، نفرت انگیز
79.	parakeet	طوطی کوچک
80.	pension	حقوق ، مستمری گرفتن
81.	peregrine	قوش
82.	peripheral	جنبی
83.	policy	سیاست ، مصلحت اندیش
84.	possess	دارا بودن
85.	potable	نوشیدنی
86.	practitioner	شاغل
87.	presume	فرض کردن
88.	priority	اولویت ، برتری
89.	procedure	طرز عمل ، روش
90.	prolific	حاصلخیز ، فراوان
91.	recession	بحران اقتصادی ، بازگشت
92.	refute	تکذیب کردن
93.	reimbursed	بازپرداختن ، جبران کردن
94.	render	تحویل دادن
95.	repudiate	انکار کردن
96.	residual	رسوب ، باقیمانده
97.	restriction	جلوگیری ، محدودیت
98.	retrospective	گذشته نگر
99.	scandal	رسوایی ، تهمت
100.	sentenced	جمله ، محکوم کردن ، حکم
101.	sewage	فاضلاب
102.	significance	اهمیت ، مقصود
103.	sliding	لغزش ، سرانشیبی
104.	specialist	متخصص
105.	spontaneous	خودبه خود ، فوری
106.	stream	نهر ، جاری
107.	suicide	خودکشی
108.	superficial	سطحی
109.	suspicious	بدگمان ، مشکوک
110.	tailor	خیاط ، تناسب کردن
111.	trace	نشان
112.	trauma	آسیب
113.	trend	گرایش
114.	universal	فراگیر ، جهانی

115.	vain	بیهوده ، مغرور
116.	vulnerable	آسیب پذیر

1. accelerated	شتابان ، تند کردن	39. coronary	انسداد شریان قلب
2. access	دسترس	40. coverage	پوشش
3. accredit	معتبر ساختن ، اطمینان کردن	41. criticism	انتقاد
4. accumulate	انباشتن	42. cruel	بی رحم ، ظالم
5. actue	تیز کردن	43. cumbersome	سنگین ، طاقت فرسا
6. admissions	پذیرش ، اعتراف	44. deficiency	نقص ، ناکارایی
7. adomant	تزلزل ناپذیر	45. deflate	کاهش
8. affirm	اظهار کردن ، اثبات کردن	46. delicate	ظریف ، حساس ، خوشمزه
9. afflict	آزار دادن ، مبتلا کردن	47. demonstrations	تظاهرات
10. afford	تهیه کردن ، موجب شدن	48. deserve	سزاوار بودن
11. aggravate	اصافه کردن ، خشمگین کردن	49. deteriorate	بدتر کردن ، خراب کردن
12. allocated	اختصاص دادن	50. devastated	ویران کردن
13. ambulatory	سیار ، گردش	51. dimension	اندازه ، بعد ، اهمیت
14. amounted	بالغ شدن ، رسیدن	52. distribution	توزیع
15. anomalies	خلاف قاعده ، غیر متعارف	53. distrust	بی اعتمادی
16. arises	رخ دادن ، به وجود آوردن ، بلند شدن	54. disturbance	اختلال ، مزاحمت
17. arouses	بیدار کردن ، تحریک کردن	55. dominated	تسلط داشتن
18. assign	واگذار کردن ، تعیین کردن	56. due	بدهی
19. assumed	فرض کردن ، وانمود کردن	57. enforces	وادار کردن ، تاکید کردن
20. attributes	نسبت دادن ، شهرت	58. entangled	گرفتار کردن ، پیچیده کردن
21. augment	تکمیل کردن	59. enterprise	امر خطیر ، سرمایه گذاری کردن
22. authorized	اجازه دادن ، تصویب کردن	60. enterprise	امر خطیر ، اقدام کردن ، سرمایه گذاری کردن
23. cardiovascular	قلبی عروقی	61. entertain	پذیرایی کردن ، گرامی داشتن ، قبول کردن
24. certificate	گواهینامه	62. entreat	درخواست کردن
25. cheered	خوشی ، تشویق کردن	63. entrusted	سپردن ، واگذار کردن
26. circumstance	چگونگی ، شرح اهمیت	64. enumerate	شمردن ، به شمار آوردن
27. complicate	پیچیده کردن	65. enumeration	سر شماری
28. complied	گرد آوردن ، تالیف کردن	66. equivalent	هم ارز ، مشابه
29. components	ترکیب کننده	67. eradicated	ریشه کن کردن
30. conduct	رفتار ، هدایت کردن	68. eradicated	از بین بردن
31. constants	پایدار ، ثابت	69. evaluate	ارزیابی کردن ، سنجیدن
32. constitute	تشکیل دادن	70. excessive	مفرط ، بیش از اندازه
33. constrain	تحلیل کردن	71. exclusive	انحصاری ، تنها
34. consumed	مصرف کردن	72. expertise	کارشناسی ، مهارت
35. consumption	مصرف ، زوال	73. explosion	انفجار ، سرو صدا
36. contamination	آلودگی	74. facility	سهولت ، امکان
37. context	زمینه ، مفهوم	75. forceps	پنس
38. convey	رساندن ، حمل کردن	76. fragments	پاره ، متلاشی ، باقیمانده

77.	fundamental	اساسی ، بنیادی
78.	hierarchy	سلسله مراتب
79.	hoarse	خشن ، گرفته
80.	honor	احترام ، افتخار
81.	illegal	نامشروع ، غیرقانونی
82.	illumination	توضیح
83.	impede	مانع شدن
84.	implement	انجام دادن ، وسیله ، اجرا
85.	impression	عقیده ، ادراک
86.	indispensable	واجب ، چاره ناپذیر
87.	inferior	پست ، نامرغوب
88.	infusion	تزریق ، دم کرده
89.	insignificant	ناچیز
90.	instantaneous	آنی
91.	intake	مکیدن ، مقدارچیز جذب شده به درون
92.	integral	درست ، کامل
93.	integrity	تمامیت ، درستی ، امانت
94.	interpretation	شرح ، بیان
95.	interruption	انقطاع ، وقفه
96.	intervention	مداخله ، شفاعت
97.	longitudinal	طولی
98.	maintain	نگه داری کردن ، ادامه دادن
99.	mission	ماموریت
100.	mounted	سوار کردن ، نصب کردن
101.	multiple	چندین ، متعدد
102.	numerous	بی شمار
103.	obese	فربه ، چاق
104.	odor	رایحه ، شهرت ، طعم
105.	overwhelm	پایمال ، سراسر پوشاندن
106.	perception	ادراک ، احساس
107.	perfusion	تزریق وریدی ، ریزش
108.	precede	مقدم بودن
109.	precious	گرانها ، فوق العاده
110.	predisposition	زمینه
111.	preoccupation	تمایل ، اشتغال
112.	presume	فرض کردن ، مسلم دانستن
113.	presumption	فرض ، استنباط
114.	pretending	وانمود کردن

115.	propective	مربوط به آینده
116.	prospect	چشم انداز ، انتظار ، پیش بینی
117.	provoke	تحریک کردن ، برانگیختن
118.	raises	بالا بردن
119.	receptions	مهمانی ، پذیرش
120.	reconciliated	اصلاح ، آشتی
121.	refute	رد کردن ، تکذیب کردن
122.	reimbursed	باز پرداخت کردن
123.	release	رهاکردن ، مرخص کردن
124.	resrves	نگه داشتن ، اختصاص دادن
125.	resume	خلاصه تجربیات ، چکیده ، بدست آوردن
126.	retrospective	عطف کننده
127.	revelation	آشکارسازی ، الهام
128.	revenue	بازده ، منافع
129.	reverse	معکوس ، شکست ، برگشتن
130.	rises	برخاستن ، ترقی کردن
131.	ruined	نابودی
132.	schedule	برنامه ریزی کردن
133.	settlement	واریز ، کلنی
134.	sewage	فاضلاب
135.	slip	لغزش ، لیز خوردن ، خطا
136.	stimuli	محرک
137.	stocky	کوتاه ، قوی ، خشن
138.	stout	بستر ، نیرومند
139.	strictly	اکیدا ، سخت ، دقیقا
140.	subdivision	بخش فرعی ، تقسیم مجدد
141.	submissions	مطیع
142.	submit	ارایه دادن ، پیشنهاد کردن ، تسلیم کردن
143.	substantial	جسمی ، ذاتی ، اساسی
144.	surplus	مازاد ، باقیمانده
145.	suspension	توقف ، بی تکلیفی
146.	synthesis	ترکیب
147.	synthesis	مصنوعی ، ترکیبی
148.	tens	دهگان
149.	tough	سفت ، بادوام ، دشوار
150.	trial	محاكمه ، آزمایش
151.	trival	جزیی ، بدیهی
152.	umbilical	مرکزی ، بطنی

153.	undergraduate	دانشجوی دوره لیسانس
154.	utility	سودمندی ، کاربرد پذیری ، منافع
155.	vascular	آوند ، رگ ، سرحال
156.	verdict	رای ، قضاوت
157.	virtually	واقعی ، معنوی

1. administer	اداره کردن ، تقسیم کردن ، تهیه کردن ، اجرا	33. glacial	منجمد ، یخچالی ، یخبندان
2. aerial	آنتن هوایی رادیو ، هوایی	34. hastily	شتابان ، باشتاب ، باعجله
3. altitude	بلندی ، ارتفاع ، فراز ، منتها درجه ، مقام رفیع	35. headwater	سرچشمه ، فراز آب ، بالادست رودخانه
4. antigen	پادتن	36. intelligence	هوش
5. avalanche	نزول ناگهانی و عظیم هر چیزی ، بشکل بهمین فرود آمدن	37. isolate	سوا کردن ، در قرنطینه نگاهداشتن ، عایق دار کردن
6. bakeshop	پستوی دکان	38. king	پادشاه ، شاه ، شهریار ، سلطان
7. barrier	نرده یا مانع عبور دشمن ، سد ، حصار ، راه کسی را بستن	39. located	قرار گرفته ، واقع شده
8. beaver	سگ آبی	40. microorganism	جانوران کوچک و میکروسکپی ، ریزجاندار
9. bias	تحت تاثیر قراردادن ، تبعیض کردن	41. multiply	ضرب کردن ، تکثیر کردن
10. cabin	اتاق کوچک ، خوابگاه کشتی ، کلبه ، کابین	42. obscurity	تیرگی ، تاری ، ابهام ، گمنامی
11. carver	کنده کار ، سنگ تراش ، قلم زن ، قلم سنگ تراشی ، سازنده	43. permit	اجازه دادن ، مجاز کردن ، ندیده گرفتن
12. cholera	وبا	44. platform	بنیاد ، اساس ، سطح فکر
13. chronological age	سن تقویمی	45. proceed	پیش رفتن ، اقدام کردن
14. cluster	خوشه	46. prospector	اکتشاف کننده ، معدن یاب
15. cog	به سمت پایین نورد کردن	47. release	رهایی ، آزادی ، استخلاص ، ترخیص ، بخشش
16. consensus	اتفاق آراء ، اجتماع ، توافق عام ، رضایت و موافقت	48. render	تحویل دادن ، تسلیم داشتن ، دادن ، منتقل کردن
17. consist	مرکب بودن از ، شامل بودن ، عبارت بودن از	49. replete	کاملاً پر ، لبریز ، چاق ، تکمیل ، انباشت
18. decade	دهه ، عدد ده ، دوره ده ساله	50. represent	نماینده گی داشتن ، نمایش دادن ، نمایاندن ، فهماندن
19. defeat	باخت ، شکست دادن ، از شکل افتادگی ، بی قوارگی	51. resemble	شباهت داشتن ، تشبیه کردن ، همانند کردن یا بودن
20. deflection	انکسار ، شکست	52. rich	غنی ، پر پشت
21. demonstrate	ثابت کردن (با دلیل) ، نمایش دادن	53. rusty	زنگ زده ، فرسوده ، عبوس ، ترشرو
22. deposit	ته نشین کردن ، گذاشتن ، کنار گذاشتن	54. sabin	واحد جذب صوت معادل قوه جذب در یک فوت مربع
23. destroy	تلف کردن ، تخریب کردن ، ویران کردن ، نابود ساختن ، تباہ کردن	55. serenely	به آرامی ، با آرامش ، با صفا
24. discouraged	دلسرد شده ، چشم ترسیده	56. silver	نقره ، سیم ، نقره پوش کردن ، نقره فام شدن
25. east	شرق ، بسوی خاور رفتن	57. situated	واقع شده در ، جایگزین
26. edge	کنار ، لبه ، نبش ، کناره ، تیزی ، برندگی	58. slide	لغزنده ، سورتمه ، واریز
27. ensue	تعقیب کردن ، از پس آمدن ، ازدنبال آمدن ، بعد آمدن	59. slope	شیب دار ، زمین سرراشید ، سرازیری ، سربالایی
28. enthusiasm	هواخواه ، مشتاق ، علاقه مند	60. slumber	خواب سبک ، چرت زدن
29. equal	هم اندازه ، هم پایه ، همرتبه ، شبیه ، یکسان	61. smelter	فال گر ، گدازکار
30. forced	تحمیلی ، اجباری	62. southern	جنوبی ، اهل جنوب ، جنوبا ، بطرف جنوب
31. forest	جنگل ، بیشه ، تبدیل به جنگل کردن ، درختکاری کردن	63. sparse	کم پشت ، پراکنده ، گشاد گشاد
32. forever	برای همیشه ، جاویدان ، پیوسته	64. stake	ستون چوبی یا سنگی تزئینی ، میخ چوبی ، گرو ، شرط
		65. stamp mill	ماشین پرس یا منگنه ، آسیاب سنگ کوبی

66.	surround	احاطه کردن ، فرا گرفتن ، محاصره کردن ، احاطه شدن
67.	thrive	پیشرفت کردن ، رونق یافتن ، کامیاب شدن
68.	toxin	ترکیب زهردار ، داروی سمی
69.	tram way	خط تراموای
70.	tranquility	آرامش ، آسودگی ، آسایش خاطر ، راحت
71.	trigger	ماشه اسلحه ، گیره ، سنگ زیر چرخ ، چرخ نگهدار
72.	tuberculosis	مرض سل
73.	typhoid fever	حصه
74.	valley	دره ، وادی ، گودی ، شیار
75.	wilderness	بیابان ، صحرا ، سرزمین نامسکون و رام نشده

1. abusive	سو استفاده	38. divine	الهی
2. accomplishing	انجام دادن	39. division	بخش
3. afflicted	مبتلا	40. dreadful	وحشتناک
4. aggravating	تشدید	41. emancipation	رهايي
5. assignment	واگذاري	42. encoded	رمزگذاري
6. attending	شرکت	43. endowed	وقف
7. attribute	صفت	44. entire	کامل تمام
8. auditory	شنوایی	45. equitable	منصف
9. authorities	مقامات	46. eradicate	از بین رفتن ، از ریشه کندن
10. bottom	عمق ، پایین	47. ethical	اخلاقی
11. calm	آرام ، خونسرد	48. exaggeration	اغراق
12. caution	اخطار نمودن	49. expansion	توسعه
13. characterized	مشخص شده	50. exploiting	بهره برداری
14. clarify	توضیح دادن ، روشن کردن	51. exposure	در معرض قرار گرفتن
15. cognitive	شناخت نگر	52. extension	گسترش
16. coincided	همزمان	53. famous	مشهور
17. collection	مجموعه	54. faulty	معیوب
18. compare	در مقایسه با	55. favor - favour	به نفع ، توجه ، نیکی کردن به ، طرفداری کردن
19. compose	مرکب	56. finance	سرمایه گذاری
20. consequently	نتیجه	57. fingerprint	اثر انگشت
21. considerably	بطور قابل ملاحظه	58. flies	مگس ها
22. constantly	همواره	59. forecast	پیش بینی
23. consume	مصرف	60. formality	رسمی
24. contradictory	متناقض	61. fortunate	خوش شانس
25. coordinator	هماهنگ کننده	62. frustrating	خسته کننده ، بدتر کننده
26. course	دوره	63. frying	سرخ کردن
27. culprit	مقصر	64. fulfill	تحقق
28. deliberate	مشاوره کردن ، پیش بینی شده ، عمدی ، سنجیدن	65. furniture	مبل
29. demonstrate	نشان دادن	66. further	اضافی ، دور
30. demonstrate	اثبات کردن ، ابراز کردن	67. gustatory	چشایی
31. detachable	قابل تشخیص	68. hazard	خطر
32. determining	تعیین کردن	69. heredity	وراثت
33. diluted	رقیق شده	70. household	خانواده
34. disappear	محو و ناپدید شدن	71. idiom	ترکیب کنایی ، اصطلاح
35. discrepancies	اختلاف	72. illogical	غیر منطقی
36. disorder	اختلال	73. impact	ضربه
37. distinct	مجزا	74. in addition	به علاوه
		75. inanimate	غیر جاندار

76.	indeed	در واقع
77.	industry	صنعت
78.	inevitable	اجتاب ناپذیر
79.	influencing	موثر بر
80.	insight	بینش
81.	instead	در عوض
82.	intrinsically	ذاتا
83.	irrelevant	بی ربط
84.	life-force	فلسفه برگسن ، زیست نیرو ، نشاط حیات
85.	manipulative	با دستکاری
86.	meaningful	معنی دار ، هدفمند
87.	moist	مرطوب
88.	mysterious	مرموز
89.	obligation	تعهد
90.	offspring	فرزند
91.	olfactory	بوایی
92.	onset	شروع
93.	opportunity	فرصت
94.	overcrowded	بهم خورده
95.	pairs	جفت ، همتا
96.	participation	مشارکت
97.	perforation	سوراخ شدن
98.	permanent	دائمی
99.	perpetuate	تداوم
100.	perplex	گیج کردن
101.	persistent	مقاومت ادامه داشتن
102.	phenomena	پدیده
103.	pitch	گام
104.	portion	قسمت ، بخش
105.	potent	قوی
106.	praise	تمجید
107.	prefer	ترجیح دادن
108.	prenatal	قبل تولد
109.	preserving	حفظ کردن
110.	promotes	ترویج
111.	proverbs	ضرب المثل ها
112.	provide	تهیه کردن ، ارائه ، تدارک دیدن
113.	pure	خالص

114.	rat	موش
115.	rational	منطقی
116.	reality	واقعیت
117.	recombinant	نوترکیب
118.	regrets	حسرت
119.	relief	تسکین ، رهایی
120.	retrieve	دست یافتن ، جبران کردن
121.	rid	خلاص شدن از شر
122.	rumors	شایعات
123.	schedule	برنامه
124.	seek	به دنبال
125.	skier	اسکی باز
126.	splitting	فتق
127.	stimuli	محرک
128.	suspending	تعلیق
129.	tactile	لامسه
130.	trimester	سه ماهه
131.	typically	معمولی
132.	ultimate	نهایی
133.	unique	یگانه ، منحصر به فرد
134.	unlimited	نامحدود
135.	valid	معتبر
136.	verifies	تایید
137.	withdrawal	خروج
138.	wound	زخم

1. abnormal	غیرعادی	39. competent	لایق ، شایسته
2. absorbed	جذب	40. concern	مربوط بودن به درگیر بودن ، نگران بودن
3. abstain	خودداری کردن	41. conjecture	حدس
4. abuse	بد بکاربردن ، سواستفاده کردن	42. considered	در نظر گرفته شده ، با فکریاز عمل کردن ، مطرح شده
5. account	حساب	43. consolidation	تثبیت
6. act	عمل	44. constitutional	مشروطه
7. activity	فعالیت	45. constraint	قید ، محدودیت ، اجبار ، فشار
8. additional	اضافی	46. contrast	تضاد
9. additive	افزودنی	47. conveyed	منتقل شده
10. affiliation	وابستگی	48. corporation = business = local organization	شرکت ، موسسه ، بنگاه
11. agent	عامل	49. deal	مقدار ، اندازه
12. agreements	موافقت نامه	50. defends	دفاع کردن ، حمایت کردن
13. ailments	ناخوشی ، درد ، رنج	51. delimitation	محدود ساختن ، تحدید حدود
14. alongside	در طول ، در کنار	52. demand	درخواست ، تقاضا ، نیاز ، مطالبه کردن
15. alternative	دیگر ، متناوب	53. demonstrate	نشان دادن
16. ample	وسیع ، فراوان ، مفصل	54. deprivation	محرومیت
17. arrangement	تنظیم	55. despite	با وجود
18. as to whether	چنانکه ، طرف ، آیا	56. detriment	ضرر ، خسارت
19. as well as	به علاوه ، و ، هم	57. develop	توسعه
20. asbestos	پنبه نسوز	58. devoted	اختصاص داده شده
21. assume	فرض	59. dissolved	محلول
22. astounding	عجیب	60. distressed	پریشان
23. attack	حمله	61. duties	وظایف
24. author	نویسنده	62. either	هر دو
25. authorities	مقامات	63. elapsed	سپری شده
26. autonomous	خود مختار	64. embraces	در آغوش می کشد
27. be taken	گرفته شود	65. emotional	احساسی
28. beach	ساحل	66. emotionally	عاطفی
29. beyond	آن طرف ، دورتر	67. endanger	به خطر انداختن
30. bladder	مثانه	68. engage	استخدام کردن ، گرفتن ، به کار گماشتن
31. both	هر دو	69. engagement	اشتغال ، مشغولیت
32. carry out	انجام دادن	70. entities	اشخاص
33. cease	توقف	71. enumerates	شمردن
34. chronic	مزمن	72. environmental	محیطی
35. combination	ترکیب	73. etiologic	علل
36. community	انجمن ، جامعه ، جماعت		
37. comparison	مقایسه		
38. Competence	شایستگی		

74.	exceed	تجاوز
75.	exceptional	استثنایی
76.	exclusive	انحصاری
77.	executive	اجرایی ، قوه مجریه
78.	exercised	ورزش
79.	existing	موجود
80.	expert	کارشناس
81.	exposure	فرار گرفتن در معرض
82.	extremely	خیلی
83.	facility	امکان
84.	favors	طرفداری میکند
85.	feasible	عملی
86.	fee	مزد
87.	fixed quantity	مقدار ثابت
88.	formal	رسمی
89.	frustrating	خسته کننده
90.	further	بیشتر
91.	further	بیشتر
92.	genius	نابغه
93.	gift	هدیه
94.	handle	دسته ، دستگیره ، دستاویز ، دست زدن ، جابه جا کردن
95.	hospital	بیمارستان
96.	Humiliate	خوار کردن
97.	identification	شناسایی
98.	identify	شناسایی
99.	ill-advised	بد فهمانده شده
100.	illnesses	بیماری ها
101.	implication	مفهوم
102.	in contrast	در مقابل
103.	in spite of	با وجود اینکه
104.	incompatible	ناسازگار ، ناموافق ، ناجور ، مناسب
105.	indistinguishable	غیر قابل تشخیص
106.	individual	فردی
107.	inexpensive	ارزان
108.	infectious	عفونی
109.	initiate	آغاز
110.	insights	بصیرت ، زیرکی ، بینش

111.	instance	به عنوان مثال ذکر کردن ، لحظه ، مورد ، نمونه
112.	institution	نهاد
113.	integrate	کامل کردن ، ادغام کردن
114.	integrated	یکپارچه
115.	integrates	ادغام میکند
116.	interaction	اثر متقابل
117.	investigating	بررسی
118.	involved	درگیر ، مورد بحث
119.	legal	حقوقی
120.	legislate	قانون وضع کردن
121.	likely	احتمالا
122.	lung	ریه
123.	matter	ماده
124.	mechanics	مکانیک
125.	memory	حافظه
126.	mental	روانی
127.	merely	تنها
128.	merger	ادغام
129.	multiple	چندگانه
130.	nearby	نزدیک
131.	neutral	خنثی
132.	nevertheless	با این وجود ، هنوز
133.	nonproductive	غیر مولد ، غیر تولیدی
134.	numerous	متعدد
135.	occasional	وابسته به فرصت یا موقعیت ، مربوط به بعضی از مواقع
136.	occupied	اشغال شده
137.	operation	عمل
138.	ore	سنگ معدن
139.	organization	سازمان
140.	overpayment	اضافه پرداخت
141.	paid	پرداخت
142.	particularly	به خصوص
143.	patient care activities	فعالیت های مراقبت از بیمار
144.	permanence	دوام
145.	Personal = Private	شخصی غیردولتی
146.	pertinent	مربوط

147.	physical	فیزیکی
148.	possibility	امکان ، احتمال
149.	predicted	پیش بینی
150.	previously	سابقا
151.	prior	قبلی
152.	profession	پیشه ، حرفه ، شغل ، اعتراف ، حرفه ای
153.	professional	حرفه ای
154.	prohibit	منع
155.	prospective	آینده نگر
156.	punitive	تنبیهی ، جزایی
157.	purely	صرفا
158.	rare	نادر
159.	rather	بلکه
160.	regarding	درمورد ، درباره ، راجع به
161.	regularly	به طور منظم
162.	reject	رد کردن ، نپذیرفتن
163.	rejecting	رد
164.	relatively	نسبتا
165.	relaxing	آرامش بخش
166.	remain	ماندن ، باقی ماندن
167.	replace	جایگزین کردن
168.	replacement	جایگزینی
169.	reputation	شهرت ، اعتبار
170.	resistance	مقاومت
171.	restoration	اعاده ، ترمیم ، استقرار مجدد ، تجدید ، بازگرداندن
172.	restore	بازگرداندن
173.	retrospective	گذشته نگر ، بازنگرانه
174.	risk factor	عوامل خطر
175.	salary	حقوق ، شهریه
176.	scope	حوزه ، وسعت
177.	scores	امتیازها
178.	script	سند ، متن ، دستخط ، متن نمایشنامه
179.	separate	جدا کردن ، تجزیه کردن ، تفکیک کردن
180.	serve	خدمت کردن ، به کار رفتن ، کشیدن و دادن
181.	services	خدمات
182.	set	مجموعه
183.	set of data	مجموعه ای از داده
184.	shortcoming	کاستی، کمبود

185.	similar	مشابه
186.	since	پس از
187.	smoking	استعمال دخانیات
188.	specify	مشخص کردن ، تعیین کردن
189.	spell out	شرح دادن
190.	standing	ایستاده
191.	stress	فشار
192.	stressful	استرس زا
193.	strongly	قویا
194.	subject	موضوع
195.	successor	جانشین
196.	sum	مجموع
197.	summing	جمع
198.	supervision	نظارت ، سرپرستی
199.	supports	پشتیبانی میکند
200.	surviving	بازمانده
201.	sympathizes	همدردی یا همفکری کردن
202.	synergistic	مربوط به همکاری
203.	temptation	وسوسه ، فریب ، آزمایش ، امتحان
204.	tend	نگهداری کردن از ، متمایل بودن به ، گراییدن
205.	thus	پس ، بنابراین
206.	to charge	حمله ، اتهام ، مسئولیت ، متهم ساختن
207.	traditional	سنتی
208.	trained	آموزش دیده
209.	transactions	معاملات
210.	ulcer	زخم
211.	unauthorized	غیر مجاز
212.	understandable	قابل فهم
213.	unit	واحد
214.	universally	عموما
215.	upsetting	ناراحت کننده
216.	urgent	فوری
217.	whereas	در حالیکه
218.	whether	آیا ، اعم از اینکه ، خواه ، چه

1. absorb	جذب کردن	39. dominate	تسلط داشتن ، چیره شدن
2. absorption	جذب	40. drawback	اشکال ، مانع
3. abuse	سواستفاده کردن ، ضایع کردن	41. drug	دارو ، دوا زدن
4. adequacy	کفایت ، مناسب ، شایستگی	42. dwarf	قد کوتاه ، کوتاه جلوه دادن
5. advance	پیشرفت ، پیش بردن	43. effective	موثر ، کاری
6. adverse	مخالف	44. elicit	بیرون کشیدن ، استخراج کردن
7. albino	زال ، فاقد مواد رنگدانه	45. environmental	محیطی
8. altering	تغییر	46. excessively	بیش از حد
9. applied	عملی ، به کار بردنی	47. existence	هستی ، وجود
10. assigned	واگذار شده	48. experience	تجربه ، آزمایش
11. athlete	ورزشکار ، قهرمان	49. expert	متخصص ، ماهر
12. attempt	کوشش ، قصد	50. expose	نمایش دادن ، افشا کردن
13. attendant	سر پرست ، همراه ، مواظب	51. exposure	افشا ، آشکاری
14. average	میانگین ، درجه عادی	52. extent	اندازه ، وسعت ، مقدار
15. behavioral	وابسته به رفتار و سلوک	53. facing	روکش ، نما
16. belief	باور ، عقیده ، اعتقاد	54. fact	حقیقت
17. benefit	منفعت ، استفاده ، مفید بودن	55. gain	سود ، بدست آوردن ، زیاد شدن
18. boil	التهاب ، هیجان ، جوشاندن ، تحرک	56. handle	دسته ، احساس با دست ، به کار بردن ، سروکار داشتن
19. capture	تسخیر ، اسیر کردن	57. hazard	خطر ، اتفاق
20. comfortable	راحت	58. housekeeping	خانه داری
21. community	انجمن ، اجتماع	59. humanity	بشریت ، مردمی
22. conduct	اداره کردن ، رفتار	60. implication	معنی ، مفهوم ، دلالت
23. consider	رسیدگی کردن ، تفکر کردن	61. imprint	مهر زدن ، نشان دادن
24. considerable	شایان ، قابل توجه ، مهم	62. increase	افزودن ، زیاد کردن
25. constantly	به طور مداوم	63. individual	شخص ، منحصر به فرد
26. cottage	کلبه	64. infrared	فیزیک ، فروسرخ
27. covering	پوشش ، جلد	65. injury	آسیب ، صدمه
28. crop	محصول ، چیدن ، حاصل دادن	66. intend	قصد داشتن ، خیال داشتن ، معنی دادن
29. cultivate	کشت کردن ، زراعت کردن	67. intimately	از نزدیک
30. cure	دارو ، شفا دادن	68. intricate	پیچیده
31. deficient	دارای کمبود	69. introduce	معرفی کردن ، نشان دادن
32. demand	درخواست ، تقاضا کردن	70. justify	حق دادن ، توجیه کردن
33. desirable	مطلوب ، مرغوب	71. knowledge	دانش ، معرفت ، دانایی
34. development	پیشرفته ، توسعه	72. limited	محدود
35. diagnosis	تشخیص	73. livelihood	معاش ، معیشت
36. disclose	باز کردن ، آشکار کردن	74. marginally	در حاشیه
37. distance	فاصله ، مسافت	75. market	بازار ، تجارت ، فروختن
38. distribution	توزیع		

76.	measure	اندازه ، مقیاس ، میزان ، اندازه گرفتن
77.	milieu	محیط ، اطراف
78.	mine	معدن ، حفر کردن
79.	obtain	بدست آوردن ، فراهم کردن
80.	occupation	شغل ، اشغال ، تصرف
81.	occupational	حرفه ای
82.	particularly	به خصوص
83.	performance	اجرا ، نمایش
84.	pest	طاعون ، بلا ، مایه آزار و آسیب
85.	phenomenon	پدیده ، حادثه
86.	pigment	رنگ دانه ، مواد رنگی
87.	pituitary	غده هیپوفیز
88.	pollute	آلوده
89.	possibility	امکان ، احتمال
90.	postage	ارسال پست ، تمبریستی ، مخارج پستی
91.	presence	وقوع و تکرار ، حضور
92.	quantities	مقادیر
93.	questionnaire	پرسشنامه
94.	racial	نژادی
95.	radiation	تابش ، پرتو افشانی
96.	rebel	یاغی ، سرکش
97.	recipient	گیرنده
98.	recommending	توصیه
99.	regulate	تنظیم کردن
100.	replace	جایگزین کردن ، جایگزین کردن
101.	require	لازم داشتن ، خواستن ، مستلزم بودن
102.	safety	ایمنی ، امنیت
103.	sanitation	مراعات اصول بهداشت ، بهسازی
104.	satisfaction	رضایت ، خوشنودی
105.	severe	سخت ، سخت گیر ، شدید
106.	species	نوع ، گونه
107.	specificity	اختصاصی
108.	speedier	سریعتر
109.	spinner	ریسنده ، نخ ریس
110.	spread	پخش کردن ، گسترش
111.	stability	ثبات ، پایداری
112.	stamp	مهرزدن ، تمبر ، پست
113.	state	توضیح دادن ، اظهار کردن

114.	sterilization	گندزدایی ، سترون سازی
115.	substance	جسم ، ماده اصلی ، جنس
116.	survey	بررسی
117.	synthetic	ترکیبی ، مرکب از مواد مصنوعی
118.	technique	روش فنی ، تکنیک
119.	thoroughly	به طور کامل
120.	threat	تهدید کردن ، ترساندن
121.	treat	رفتار کردن ، عمل آوردن ، درمان کردن
122.	treatment	رفتار ، معالجه ، درمان
123.	tremendous	عجیب ، مهیب ، شگرف
124.	undergoing	تحت
125.	understood	درک
126.	undertaken	انجام شده
127.	valuable	با ارزش ، قیمتی
128.	variation	اختلاف ، تغییر ، بی ثباتی
129.	varied	رنگارنگ ، متنوع
130.	viewpoint	دیدگاه ، نظریه
131.	visitor	مهمان ، عیادت کننده
132.	weaver	بافنده ، نساج
133.	wider	گسترده تر
134.	widespread	شایع ، گسترده
135.	widest	عریض ترین
136.	wrapping	بارپیچ ، کاغذ بسته بندی ، لفاف

1. Able	قادر	37. compare	مقایسه کردن ، با هم سنجیدن
2. Absence	غیاب ، فقدان ، نبودن	38. Complex	پیچیده
3. actively	فعالانه ، به طور کاری	39. Complicated	پیچیده
4. advocate	دفاع کردن ، طرفداری کردن ، حامی ، طرفدار	40. Compound	مرکب
5. air-conditioning	تهویه	41. Concern	نگرانی
6. alternative	جایگزین	42. Concerned	نگران
7. Among	از جمله	43. conclude	به پایان رساندن نتیجه گرفتن ، استنتاج کردن
8. Anthrax	سیاه زخم	44. Concluded	نتیجه گیری
9. argue	بحث کردن ، گفتگو کردن ، مشاجره کردن ، دلیل آوردن ، استدلال کردن	45. concluded	به این نتیجه رسیدند
10. argue	استدلال ، مشاجره کردن ، بحث کردن	46. Concludes	نتیجه گیری
11. argumentative	استدلالی ، منطقی ، جدلی	47. Conjunction	همراه ، پیوستگی ، اتصال
12. around	در اطراف	48. Connection	اتصال
13. artificial	ساختگی ، مصنوعی ، بدلی	49. consequently	در نتیجه
14. Aspect	جنبه ، حالت	50. conserve	حفاظت از
15. Attitude	نگرش ، گرایش	51. Contagious	واگیردار
16. Auxiliary	کمکی	52. Contain	محتوی بودن ، دارا بودن ، در برداشتن ، شامل بودن ، خودداری کردن ، بازداشتن
17. Bacteria	باکتری ها	53. contrast	مقابله ، تقابل ، کنتراست ، مقایسه کردن
18. basal	پایه	54. convenience	آسودگی ، راحتی
19. Basis	بر اساس	55. Courtship	اطهار عشق ، معاشقه
20. becomes	شدن ، درخور بودن ، برآزیدن ، آمدن به ، مناسب بودن ، تحویل یافتن	56. Criticize	انتقاد
21. Behavior	رفتار	57. cues	نشانه ، اشاره کردن
22. Beriberi	بیماری کمبود ویتامین ب بری بری	58. curious	کنجکاو ، نادر ، غریب
23. Biology	زیست شناسی	59. Current	کنونی
24. birth	هنگام تولد	60. Customs	آداب و رسوم
25. Bonds	اوراق قرضه	61. define	مشخص کردن ، تعریف
26. Brain	مغز	62. delimit	حد و مرز مشخصی ، محدود
27. breed	پروردن ، زائیدن ، به دنیا آوردن	63. Deliver	تحویل
28. burn energy	سوزاندن انرژی	64. delivery	تحویل
29. care	مراقبت	65. describe	شرح دادن ، توصیف کردن ، وصف کردن
30. Certain	برخی از	66. Described	شرح داده شده
31. chronically	مزمن	67. designed	طراحی
32. claim	ادعا	68. detrimental	زیان آور ، مضر ، دردناک
33. Cluster	خوشه	69. Diet	پرهیز ، رژیم
34. comfortable	راحت	70. Difficult	مشکل
35. Community	جامعه	71. Disagree	مخالف
36. Compare	مقایسه	72. Disbelieving	کافر
		73. discourage	دلسرده کردن

74.	Diseases	بیماری ها
75.	Diverse	گوناگون
76.	Dozen	دوجین ، دوازده عدد
77.	due	بدهی ، مقتضی ، حق ، حقوق
78.	Eating	خوردن
79.	Emotional	هیجانی
80.	engineering	مهندسی
81.	Enhance	افزایش
82.	Enlarging	بزرگ شدن
83.	Enough	به اندازه کافی
84.	entity	نهاد ، وجود
85.	environment	محیط دوروبر اطراف
86.	Essential	لازم ، ضروری
87.	Exhaled	بازدم
88.	Exposed	در معرض
89.	Extremely	فوق العاده
90.	far	دوراز ، بسیار دور ، در تبعید
91.	farming	کشاورزی ، کشتکاری ، زراعت
92.	Favor	به نفع ، نیکی کردن به ، طرفداری کردن
93.	favor	توجه ، مساعدت ، مرحمت کردن ، نیکی کردن به ، طرفداری کردن
94.	finite	متناهی ، محدود
95.	flick	تلنگر
96.	flood	سیل ، طوفان ، طغیان کردن
97.	Flu	آنفولانزا
98.	Forms	فرم ها
99.	Function	عملکرد
100.	Gain	افزایش
101.	generalization	عمومیت دادن
102.	Generally	به طور کلی
103.	Genetically	از لحاظ ژنتیکی
104.	giving	دادن
105.	gone	رفته شده
106.	Governed	اداره
107.	Growing	در حال رشد
108.	Growth factor	فاکتور رشد
109.	Gynecological	امراض زنانه
110.	Heavy	سنگین
111.	Homeostatic	فرمول

112.	Hunger	گرسنگی
113.	ideology	طرز تفکر ، ایدئولوژی
114.	Illustrate	توضیح دادن ، بامثال روشن ساختن ، شرح دادن ، مصور کردن ، آراستن
115.	implies	دلالت دارد معنی مفهوم
116.	Importance	اهمیت
117.	Impossible	غیر ممکن
118.	Inborn	ذاتی
119.	infertile	بی حاصل ، بی بار ، غیر حاصلخیز
120.	infertility	بی باری ، بی حاصلی
121.	Inform	اطلاعات
122.	infrequently	به ندرت
123.	Instinct	غریزه
124.	Instinctive	غریزی
125.	Instructed	دستور
126.	Integrates	یکپارچه
127.	interaction	تعامل
128.	Involved	درگیر ، مورد بحث
129.	Isolate	مجزا کردن ، عایق دار کردن ، سوا کردن ، در قرنطینه نگه داشتن
130.	justified	توجیه شده ، هم تراز
131.	keeps	نگه می دارد
132.	Kinship	خویشاوندی
133.	Laboratory	آزمایشگاه
134.	Law	قانون
135.	legitimize	مشروعیت بخشیدن
136.	Like	مانند
137.	linking	پیوند ، پیوند دادن ، حلقه ، زنجیر ارتباط
138.	loss	از دست دادن
139.	Lungs	ریه ها
140.	lurk	در خفا انجام دادن
141.	management	مدیریت
142.	Manufactured	تولید
143.	mechanism	مکانیسم
144.	Members	کاربران
145.	Midwife	ماما
146.	midwife	ماما
147.	Midwives	ماماها
148.	Modem	مودم

149. mysterious	اسرار آمیز ، مبهم
150. negative	منفی
151. neutral	خنثی ، بی طرف
152. notion	مفهوم
153. nurse	پرستار
154. Nutritional	مقوی
155. Obstetrical	زایمان
156. Occur	رخ می دهد
157. Odds	شانس ، فرد ، عجیب
158. opportunities	فرصت ها
159. optimal	مطلوب
160. Outbreaks	شیوع
161. over	بیش از
162. partner	شریک
163. Passage	پاساژ ، گذرگاه ، راهرو
164. Past	گذشته
165. Patient	بیمار ، شکیبا
166. Perceived	ادراک
167. Perhaps	شاید
168. persist	سماجت کردن ، پافشاری کردن ، اصرار کردن ، ایستادگی
169. persuasive	تشویقی ، مجاب کننده ، متقاعد کننده ، وادار کننده
170. place	محل
171. planning	برنامه ریزی
172. Potent	قوی
173. Practice	تمرین
174. predisposed	مستعد
175. Pregnant	باردار
176. prenatal	قبل از تولد
177. prescribe	تجویز
178. Presence	حضور
179. Present	در حال حاضر
180. Process	روند
181. Produce	تولید
182. programmed	برنامه ریزی شده
183. proof	مدرک ، دلیل ، گواه ، نشانه
184. Propagate	انتشارات ، پخش کردن ، رواج دادن
185. Proper	مناسب

186. Prove	ثابت کردن ، آشکار نمودن
187. Provided	ارائه شده
188. provided	ارائه
189. psychology	روان شناسی
190. puff up	غذای پف دار کردن
191. Quantity	مقدار
192. Quickly	به سرعت
193. Rather	به جای
194. Reemergence	پیدایش دوباره
195. Relation	ارتباطات
196. Relatives	بستگان
197. reproduction	هم آوری ، تکثیر ، تولید مثل
198. reserves	ذخایر
199. Resistant	مقاوم در برابر
200. restricted	محدود ، بازدارنده
201. Retain	حفظ کردن ، نگهداشتن
202. roughly	تقریباً
203. rule	قاعده دستور حکم قانون
204. Same	همان
205. Scientists	دانشمندان
206. Scurvy	پوشیده از شوره ، پست ، منفور ، کمبود ویتامین سی
207. season	فصل ، فرصت ، دوران
208. separately	جداگانه ، جدا کردن ، تفکیک کردن
209. Set-point	مجموعه نقطه
210. Sick	مریض
211. slows down	آهسته تر
212. Sociologists	جامعه شناسان
213. Source	منبع
214. speeds up	سرعت ، تسریع
215. Spores	اسپورها
216. Spread	گسترش
217. statistic	آمار ، ارقام
218. strong	نیرومند ، قوی ، پر زور ، محکم ، سخت
219. Substance	جسم ، جوهر ، استحکام ، ماده اصلی ، ذات ، مفهوم ، دوام ، مسند
220. Success	موفقیت
221. suggestion	اشاره ، تلقین ، اظهار ، عقیده ، پیشنهاد ، الهام
222. surroundings	فرا گرفتن ، محاصره کردن ، احاطه شدن

223.	Survive	زنده ماندن
224.	sync	همگام
225.	take	گرفتن ، ستاندن ، لمس کردن ، بردن ، برداشتن ، خوردن ، پنداشتن
226.	Team	تیم
227.	theorists	نظریه پردازان
228.	Theory	نظریه
229.	Thus	به این ترتیب
230.	Toward	به سوی
231.	track	شمار ، لبه ، پیگردی کردن ، اثر ، راه ، توالی ، دنبال کردن
232.	Transmission	انتقال
233.	Treatment	درمان
234.	Tried	سعی
235.	upon	بر روی ، فوق ، بر فراز ، بمحض
236.	Urge	اصرار کردن
237.	Variety	تنوع
238.	vigorous	پرزور ، نیرومند ، زورمند ، قوی شدید
239.	virtually	عملاً
240.	Vital	لازم ، ضروری
241.	weak	سست ، کم دوام ، ضعیف ، کم زور
242.	Weapon	سلاح
243.	Weaponizes	تسلیحات ، اسلحه سازی
244.	Weight	وزن
245.	While	در حالی که
246.	Widespread	گسترده
247.	widespread	شایع ، همه جا ، منتشر گسترده
248.	Within	در داخل
249.	working	کار